۱۸۵ - ای احبای الهی و دوستان جمال رحمانی از فیوضات مقدسه جمال قدم و اسم اعظم روحی و کینونتی و ذاتی و حقیقتی لاحبائه فدا آنکه در این کور عظیم و ظهور رب قدیم چنان ارتباطی و اتحادی در بین نفوس منجذبه و افئده مشتعله بنار موقده عنایت فرموده که جمیع یاران حکم هیکل واحد یافته و حقائق منقطعان سمت بحر واحد جسته چون سرج لامعه و نجوم ساطعه بنور واحد روشن و از نیر اعظم ملأ اعلی بشعاع واحد مستنیرند در این صورت چگونه جدا و مفترق گردند و از یاد یکدیگر غفلت و فراموشی و از ذکرشان سکوت و خاموشی حاصل گردد پس بحق الیقین بدانید که در کل حین صدر نشین این انجمنید و سراج‌های روشن در این بزم ذوالمنن آنی از یاد نرفته و فراموش نشده‌اید همیشه در خواطر بوده و خواهید بود در این مقام قرب و بعد مکان عالم امکان حکمی ندارد چه که فیوضات اتصال از جهان لامکان احاطه نماید از فضل بی‌پایان جمال رحمن و دریای بیکران موهبت حضرت یزدان امیدواریم که آن مخموران خمخانه باده عشق در این بزم محبت الله چنان بشوق و طرب و انجذاب و وله آیند که ولوله در ارکان عالم اندازند و بنفحات قدس و جذبات هیکل آدم را زنده و مهتز نمایند لیس ذلک علی الله بعزیز